


Examining the examples of the obligation of Tahri in worship from the perspective of Imamiyyah jurisprudence

ali farsimadan 

Department of Law and Islamic Jurisprudence, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. E-mail: a.farsi@urd.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Tahri is one of the jurisprudential terms in which the obligee uses his efforts to achieve the desired and lawful purpose. This research tries to answer this basic question with a descriptive and analytical method What are the examples of obligatory tahrir in worship? Tahri is important because its legitimacy is derived from the Qur'an, hadiths and reason It is used in worship and it is necessary to pay attention to it in order to perform divine duties better. Tahri is a practical method Therefore, the purpose of using Tahri is to prevent mistakes Because not paying attention to it will lead to negligence and an obligatory act. The findings of the research indicate that; Examples of the obligation of Tahri in acts of worship such as Tayammum, prayer, fasting, Itikaf and Hajj have a practical application.
Article history: Received: Juan 9. 2023	
Received in revised form: March 12. 2024	
Accepted: April 24. 2024	
Published online 00 00. 2024	
Keywords: Tahri, acts of worship, Imami jurisprudence, obligatory tahrir.	
Cite this article: farsimadan, Ali. (2024). Examining the examples of the obligation of Tahri in worship from the perspective of Imamiyyah jurisprudence. <i>Islamic Jurisprudential Researches</i> . DOI: http://doi.org/0000000000000000	
	© ali farsimadan DOI: http://doi.org/00000000000000000000000000000000
	Publisher: University of Tehran Press.

بررسی مصادیق وجوب تحری در عبادات از منظر فقه امامیه

علی فارسی مدان

گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: a.farsi@urd.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:	تحری یکی از اصطلاحات فقهی است که در آن مکلف تلاش خود را برای رسیدن به مطلوب و مراد شارع بکار می‌گیرد. این پژوهش در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که مصادیق وجوب تحری در عبادات چیست؟ تحری از آن جهت اهمیت دارد که مشروعیت آن، برگرفته از قرآن، روایات و عقل است و در عبادات کاربرد دارد و توجه به آن برای انجام بهتر تکالیف الهی ضروری است. تحری چون شیوه عملی است لذا هدف کاربست تحری جلوگیری از اشتباه مکلف است زیرا عدم التفات به آن منجر به قصور و فعل مکلف خواهد شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است؛ مصادیق وجوب تحری در عباداتی همچون تیمم، نماز، روزه، اعتکاف و حج کاربرد عملی دارد.
مقاله پژوهشی	
تاریخ‌های مقاله:	
تاریخ دریافت:	1402/04/18
تاریخ بازنگری:	1402/12/22
تاریخ پذیرش:	1403/02/05
تاریخ انتشار:	1403/00/00
کلیدواژه:	تحری، عبادات، فقه امامیه، وجوب تحری.

استناد: فارسی مدان، علی (1403). بررسی مصادیق وجوب تحری در عبادات از منظر فقه امامیه. پژوهش‌های فقهی،

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© علی فارسی مدان

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>



1. مقدمه

یکی از اصطلاحات فقهی مرتبط با افعال مکلف، تحرّی است که در آن مکلف می‌کوشد، با بررسی و تحقیق دقیق فقهی؛ همه توان خود را بکار ببندد تا به مطلوب شارع دست پیدا کند. لذا تحرّی یک نوع اجتهاد لغوی است. چنانکه علامه حلی اجتهاد را به معنای به کار گرفتن همه توان و قدرت در نظر و رأی دادن دانسته (علامه حلی، 1404: 240) به تعبیر دیگر، مجتهد در اجتهاد بر آن است تا با به کار گرفتن همه توان و بذل طاقت خود حکم شرعی را بدست آورد و حجت بر او تمام شود (عراقی، 1388: 20) در اینجا هم مکلف بر آن است تا با تلاش و کوشش در حد توان خود و نیز با دقت نظر و تأمل بیشتر مطلوب و نظر شارع را تحصیل نماید و ذمه او بریء شود. لازم به ذکر است، مکلف نباید در تحرّی؛ دچار وسواس شود و احکام عبادی خود را با تردید و شک انجام دهد، بلکه تحرّی کردن به افراد یادآوری می‌کند که نسبت به اعمال عبادی خود بی‌تفاوت و سهل‌انگارانه برخورد نکند. تحرّی در ابواب مختلف فقهی کاربرد دارد اما در عبادات بروز و ظهور بیشتری دارد. از این رو پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی، مصادیق تحرّی در عبادات را مورد بررسی قرار دهد ولی از آنجا که محقق در تحقیق و تتبع کلمات فقهی به دو بُعد وجوب و استحباب در عبادات پرداخته است. لذا این پژوهش، به دو سؤال اساسی ذیل پاسخ خواهد داد:

1. دلایل مشروعیت تحرّی چیست؟

2. مصادیق وجوب تحرّی در عبادات کدام است؟

درباره پیشینه این تحقیق فقهای امامیه به بعضی از احکام وجوب تحرّی (شهید اول، 1419: 1/90- شهید ثانی، 1414: 1/56- عاملی، 1411: 6/331) و استحباب تحرّی (شهید اول، 1419: 147/4 و 148) در عبادات اشاره کرده‌اند اما به صورت منظم بحث نشده است. در میان آثار مکتوب برخی از پژوهشگران محترم جهان اسلام تلاشهایی نموده و آثاری ارزشمندی مرتبط با

بحث برجای گذاشته‌اند. دکتر فرزاد پارسا در مقاله "تحرّی؛ پژوهشی در مفهوم، مشروعیت، کاربرد و احکام آن" در نشریه فقه و اصول تابستان 1401؛ به بررسی مفهوم تحرّی و الفاظ مرتبط با تحرّی، مشروعیت و شرایط تحرّی، قواعد فقهی ناظر بر تحرّی پرداخته و در ادامه دو نمونه از کاربردهای تحرّی یعنی تحرّی برای شناخت قبله و تشخیص ظرف طاهر بیان کرده است. و یا دکتر عبدالباسط محمد خلف در مقاله "التحرّی وأثره فی العبادات" مجله الفرائد فی البحوث الاسلامیه و العربیه سال 2009 (المجلد 27، العدد 1- الصفحۀ 727-907) به تحرّی در عبادات از دیدگاه فقه اهل سنت پرداخته و مصادیق تحرّی همچون تحرّی در آب؛ تحرّی در شناخت خون حیض از استحاضه؛ تحرّی در قبله نماز؛ تحرّی در زکات؛ تحرّی برای دخول ماه رمضان از منظر فقه‌های اهل سنت بحث نموده است. مقاله حاضر از آن جهت با پژوهش‌های ارزشمند دیگر متمایز است که با تتبع فراوان در فقه امامیه پرداخته و به انعکاس آراء ایشان در بحث تحرّی بپردازد و نیز سعی نموده مواردی را که استاد ارجمند دکتر پارسا نیاورده؛ احصاء کرده و مصادیق و کاربردهای تحرّی در دو بخش وجوب و استحباب بیان نماید.

2. مفهوم تحرّی

تحرّی برگرفته از حرا (حری) است. لغت شناسان آن را به معنای "القصد و الاجتهاد فی الطلب، و العزم علی تخصیص الشیء بالفعل و القول" ذکر کرده‌اند (ابن اثیر، 1367: 1/ 376- ابن منظور، 1414: 14/ 174- مهنا، 1413: 1/ 252) لذا تحرّی به معنای، قصد و تلاش در طلب و درخواست چیزی و عزم و اراده به تخصیص چیزی در عمل و گفتار است، می‌باشد. در بهترین تعریف اصطلاحی راجوه‌ری در "الصّحاح" ارائه نموده است. "التَّحَرُّی فی الأشیاء و نحوها، و هو طَلَبٌ ما هو أُحَرِّی بالاستعمال فی غالب الظنّ (جوهری، 1410: 6/ 2311). لغت شناسان دیگر نیز این معنا را نقل نموده‌اند (ابن منظور، 1414: 14/ 173- واسطی، 1414: 19/ 315). برای مطالعه بیشتر پیرامون مفهوم تحرّی، کلمات مترادف آن، مشروعیت تحرّی، قواعد فقهی ناظر بر

تحرری به مقاله: پژوهشی در مفهوم تحرری؛ مشروعیت، کاربرد و احکام آن (نشریه فقه اصول، پارسا، فرزاد؛ 1401، 13 الی 16) مراجعه شود.

منظور نویسنده از تحرری در پژوهش حاضر، تحقیق و بررسی است تا مکلف را حد امکان از اشتباه و خطا باز دارد که بتواند با تلاش بیشتر به مطلوب و مراد شارع در امور عبادی و معاملات و عقود دست پیدا کند (به صورت قطعی) یا نزدیک شود (به صورت ظنی) بدین جهت در تعریف فقهی تحرری، برخی از فقهای امامیه به عبارت جوهری بسنده کرده‌اند (شهیدثانی، 1402: 2/ 956- اردبیلی، 1403: 3/ 231- نراقی، 1415: 4/ 187- نجفی، 1404: 7/ 413) در این صورت تحرری به معنای دستیابی و رسیدن به مطلوب شارع به صورت تحصیل ظنی (نه قطعی) است. اما محقق کرکی درصدد آن است تا این مطلوبیت به صورت قطعی باشد، نه ظنی؛ لذا قید "غالب الظن" را در تعریف تحرری بیان نمی‌کند (عاملی، 1414: 1/ 151) شهیدثانی در بحثی دیگر، تعریف محقق را قبول دارد (شهید ثانی، 1402: 1/ 416).

3. مشروعیت و اثبات تحرری

در بحث حاضر یعنی مصادیق تحرری، به ویژه وجوب آن می‌توان به قرآن کریم، روایات و عقل استدلال نمود:

3-1 قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» (جن: 14)؛ «هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است». مفسرین فریقین به بررسی آن پرداخته‌اند. از میان مفسرین شیعه، برای تحرری معانی همچون: طلب کردن (طوسی، بی‌تا: 10/ 152)، طلب کردن چیزی و قصد نمودن آن (طبرسی، 1372: 10/ 558) گشتن برای یافتن آن (طباطبایی، 1417:

20 / 45) ذکر کرده‌اند. اما مفسرین اهل سنت تحری را " تَوْحَى " یعنی قصد معنا کرده‌اند (فخررازی، 1420: 30 / 671- آلوسی، 1415: 15 / 100). برخی از مفسرین شیعه به تبیین معنای اصطلاحی پرداخته و بیان داشته که، تحری جدیت و کوشش در تحصیل امری است (طیب، 1378: 13 / 234) یا تحری، تلاشی است برای یافتن اینکه چه چیزی شایسته و حق است (مدرسی، 1419: 16 / 456). در مقابل ایشان، برخی از مفسرین اهل سنت، وجوب تحری قبله را به عنوان نمونه کامل و مهم آن یاد کرده‌اند (ثعلبی، 1422: 10 / 52- قرطبی، 1364: 19 / 17). بنابراین وجوب تحری مشروعیت قرآنی دارد.

3-2. روایات

برخی روایات وارد شده است که در آن به صراحت تحری بیان شده و منظور از آن همان معنای اصطلاحی فقهی است. به طور نمونه امام باقر (ع) فرمود: «يُجْزَى التَّحْرَىٰ أَبَدًا إِذَا لَمْ يُعْلَمِ أَيْنَ وَجْهُ الْقِبْلَةِ» (کلینی، 1429: 6 / 65). بنابر دستور امام (ع) اگر مکلف جهت قبله را نمی‌داند، تلاش خود را بکار بندد تا جهت قبله را تحری کند. و یا بیشتر محدثین اهل سنت روایت نبوی را نقل کرده‌اند: «تَحْرَوُا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ» (ابن انس، 1425: 3 / 461- ابن حنبل، 1416: 40 / 335- بخاری، 1410: 3 / 361- ابن حجاج، 1412: 2 / 828- ترمذی، 1419: 3 / 98). منظور پیامبر آن است، در ده روز آخر ماه مبارک رمضان به دنبال شب قدر باشید و با تلاش و کوشش آن را درک کرده و به عمل صالح و شب زنده‌داری مشغول گردید.

3-3. عقل

عقل می‌پسندد که مکلف برای رسیدن به مطلوب شارع تلاش کند. البته عقل وسواس در عمل به احکام شرع و تکالیف دینی را نمی‌پذیرد، بلکه عقل حکم می‌کند، مکلفین نسبت به اعمال عبادی

خود بی تفاوت و سهل‌انگارانه برخورد نکند و در عمل به شریعت افراط و تفریط نداشته باشد. بدین جهت علامه حلی در تذکره الفقهاء (علامه حلی، 1414: 2/ 484) و نهاییه الاحکام (علامه حلی، 1419: 1/ 380)، تحری را ابزاری برای دفع مشقت می‌داند و سایر فقهای امامیه آن را پذیرفته‌اند (ر.ک: فاضل هندی، 1416: 1/ 454- نجفی، بی تا: 394- نجفی، 1404: 6/ 244).

4. مصادیق وجوب تحری در عبادات

با تحقیق و مطالعه در آراء و عبارات فقهای امامیه می‌توان تحری را از دو جهت وجوب و استحباب تبیین نمود:

4-1. تیمم

تیمم در مواردی همچون: آب [برای وضو یا غسل] نباشد؛ برای رسیدن به آب عذری وجود دارد؛ استعمال آب برای بدن ضرر دارد؛ وقت نماز تنگ باشد؛ واجب است (سیدمرتضی، 1387: 52- مفید، 1413: 58- شهید ثانی، 1402: 1/ 315). با توجه به آیه شریفه "فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً" (نساء: 43) و روایات (طوسی، 1407: 1/ 183) تیمم بر خاک و هر آنچه از زمین می‌روید، جایز است، حکم مشهور نیز همین است (سبزواری، 1423: 1/ 43).

با تحقیق و تتبع مشخص شد در بحث تیمم، تحری در سه مورد واجب است:

مورد نخست: تیمم به غبار

تبیین مسأله: گاهی مکلف برای تیمم، زمین (خاک و سنگ) ندارد؛ مجبور است از غبار لباس یا غبار نمد زین اسب یا غبار یال چهارپا برای تیمم استفاده کند. فقهای امامیه بین ترتیب و تخییر

در این موارد اختلاف نظر دارند. شیخ طوسی، قائل به ترتیب (حیوان، لباس) است (طوسی، 1400: 49) اما صاحب السرائر قائل به ترتیب (لباس، حیوان) می‌باشد (ابن ادریس، 1410: 1/ 138). محقق کرکی کلام دو فقیه را ضعیف دانسته و ترتیب را قبول ندارد و قائل است غبار اینجا موضوعیت دارد و باید بوسیله غبار تیمم نماید و محل و مکان غبار اعتبار ندارد (عاملی، 1414: 1/ 484) برخی دیگر نیز قائل به تخییر هستند (شهید ثانی، 1402: 1/ 327) که قول مشهور فقها تخییر است (سبزواری، 1423: 1/ 43). در این مسأله شهید ثانی در کتابهایش قائل به وجوب تحری است (شهید ثانی، 1414: 1/ 56 و 1422: 60 و 1413: 1/ 113).

دلیل مسأله: مستند جواز تیمم بر این موارد، روایات است (حرّعاملی، 1409: 3/ 353 الی 356). شیخ حرعاملی بعد از نقل روایاتی، فتوا داده است؛ باید به غبار تیمم کرد (همان/ 355). بنابراین مکلف در این مسأله باید برای دستیابی به مطلوب شارع سعی کند؛ یعنی غبار بسیاری از جنس خاک از روی آنها جمع کند، سپس تیمم نماید وگرنه بدون غبار و صرف دست زدن به اینها برای تیمم کردن صحیح نیست. بدین جهت تحری باعث می‌شود مکلف در تیمم کردن غبار را احساس کند، زیرا فقها احساس نمودن غبار را شرط کرده‌اند (سبزواری، 1247: 1/ 99 و 1423: 1/ 43- نراقی، 1422: 451- میرزای قمی، 1417: 1/ 356)

بررسی مسأله: درباره مورد نخست ملاحظه‌ای مهم وجود دارد و آن این است، بیان موارد سه‌گانه یعنی غبار در اینها برای تیمم نمودن، دلیل بر انحصار نیست، زیرا غالباً در اینها غبار جمع می‌شود. لذا اگر از هر چیزی که در روی آن غبار وجود دارد؛ می‌تواند غبار بسیاری جمع کرده و تیمم نماید، البته در موارد دیگر که غبار بر روی اشیاء وجود دارد؛ حکم وجوب تحری نیز جاری است (شهید ثانی، 1413: 1/ 113) البته صاحب جواهر الکلام در غیر این سه مورد، ابتدا قائل به استحباب تحری بوده اما در ادامه وجوب تحری در اینها را خالی از قوت نمی‌داند و وجوب تحری را می‌پذیرد (نجفی، 1404: 5/ 146). بنابراین غبار در اینجا موضوعیت دارد، پس اگر در این موارد و سایر

اشیاء دیگر غبار وجود نداشت، تیمم بر آنها جایز نیست (همان). دلیل عدم انحصار در این سه مورد؛ روایت امام صادق (ع) است که به صراحت فرمود، تیمم بر هر شیء که غبار دارد، جایز است (طوسی، 1390: 1/ 156 و 1407: 1/ 190) شهید ثانی با استناد به این روایت حکم به عدم حصر داده است (شهید ثانی، 1402: 1/ 327).

مورد دوم: تیمم هنگام خروج از مسجدین

تبیین مسأله: اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، در مورد خروج ایشان از مسجدین دو قول مطرح است؛ بنابر فتوای اکثر علمای شیعه، واجب است برای خروج از مسجد تیمم نماید (محقق حلی، 1407: 1/ 189- علامه حلی، 1414: 1/ 240 و 1412: 2/ 226- فیض کاشانی، 1429: 2/ 20) مستند آن اجماع (محقق حلی، 1407: 1/ 189- بحرانی، 1405: 4/ 401) و روایت امام باقر(ع) است که حکم به تیمم چنین شخصی داده است (کلینی، 1429: 5/ 212). اطلاق روایت اقتضای وجوب تیمم داده است (عاملی، 1411: 1/ 21). قول دیگر که از آن ابن حمزه بوده، حکم به استحباب تیمم داده است (طوسی، 1408: 70) البته این فتوا ضعیف می- باشد (عاملی، 1411: 1/ 283- فیض کاشانی، 1429: 2/ 20). در مورد خروج از مسجدین شش حالت و صورت وجود دارد که متناسب با آن، حکم فقهی آن نیز بیان شده است (مراجعه شود به: بهجت، 1423: 57)

اقسام و ادله مسأله: فقهای امامیه در این مورد حکم به وجوب تحری داده‌اند. البته وجوب تحری در اینجا دو گونه است:

گونه نخست: محتلم هرچه سریع تیمم را انجام دهد و تمام تلاش خود را بکار ببندد تا از نزدیکترین راه از مسجد خارج شود (سبزواری، 1247: 1/ 11- شهیدثانی، 1402: 1/ 67). دلیل

آن روایتی است که امام باقر(ع) در این وضعیت فرمود، باید با حالت تیمم از مسجدین خارج شود (کلینی، 1429: 212 / 5)

بررسی مسأله: باتوجه به جایگاه مقدس و مهم مسجدین، وجوب تحری در اینجا درست و صحیح است. چنانکه مستند روایت از لحاظ سندی، صحیح است (مجلسی، 1406: 3 / 166). براین اساس روایت دلالت بر آن دارد که مرور و راه رفتن با حالت جنب در مسجدین حرام است (نجفی، 1404: 3 / 57) و باید بر مبنای فتوای بیشتر علمای شیعه تیمم نماید (عاملی، 1411: 1 / 20). علامه حلی به نوعی قائل به وجوب تحری بوده و می‌گوید [بعد از انجام تیمم] قصد کند از نزدیکترین درب مسجد خارج شود (علامه حلی، 1414: 1 / 241 و 1419: 1 / 103).

گونه دوم: مکلف مضطر شود بخاطر دلایلی مانند قفل شدن درها و ترس از مال و جان مجبور باشد در مسجد بماند؛ در این صورت فقط تیمم کند (علامه حلی، 1419: 1 / 103).

بررسی مسأله: علامه حلی در نهاییه الاحکام، مستند بحث را آیه شریفه " ... لا جُنْباً إِلَّا عَابِرِ سَبِيلٍ " (سورة النساء: 43) بیان کرده است (علامه حلی، 1419: 1 / 103).

مورد سوم: تیمم به وحل

تبیین مسأله: در صورتی که خاک برای تیمم نباشد، یکی از اشیائی که تیمم بر آن صحیح است، وحل (گرم نرم و رقیق) است. (علامه حلی، 1410: 1 / 234 - شهیداول، 1414: 1 / 56 - شهیدثانی، 1402: 1 / 326).

دلیل مسأله: مستند بحث روایتی است که عبدالله بن مغیره نقل کرده است (کلینی، 1429: 5/194). به شرطی که اصل وحل از زمین یا از چیزی که تیمم بر آن صحیح است، باشد (شهیدثانی، 1402: 1/326-اردبیلی، 1403: 1/222).

بررسی مسأله: شیخ بهائی در الحبل المتین حکم به وجوب تحری در این حالت داده، یعنی تلاش کند تا گل نرم را خشک کند سپس تیمم کند زیرا خاک مقدم بر گل است (عاملی، 1390: 91) فقهای دیگر نیز این فتوا را به ایشان نسبت داده‌اند (مجلسی، 1404: 13/183 و 1406: 2/127-جزائری، 1408: 3/356).

2-4. نماز

موارد وجوب تحری در نماز شامل موارد ذیل است:

1-2-4. نماز در وسیله نقلیه

تبیین مسأله: یکی از کاربردها و مصادیق تحری در فقه، تحری برای شناخت قبله است (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: پارسا؛ 1401، 13 الی 16). به اجماع فقها قبله وجوب شرطی است و اگر شرط منتفی شود؛ اصل وجوب نیز منتفی خواهد شد (علامه حلی، 1414: 3/32). اما اگر برای نمازگزار اضطرار به وجود آید، برخی فائند در حالت اضطرار اداء نماز بسمت قبله لازم نیست (شهید اول، 1419: 3/188) بدین جهت قیود تمکن (شهید اول، 1419: 3/188) و قدرت (علامه حلی، 1413: 1/252- فخرالمحققین، 1387: 1/77- عاملی، 1414: 2/59) را ذکر نموده‌اند. حال اگر بنا بر دلایل مختلف، امکان اقامه نماز بر روی زمین نباشد، ضرورت اقتضا کند، نماز بر روی مرکب یا در وسیله نقلیه خوانده شود؛ در این حالت آیا رعایت قبله واجب است؟ محقق حلی در شرائع الإسلام استقبال قبله را واجب می‌داند، لذا قید تمکن را مطرح کرده، یعنی به

هر صورتی که ممکن است به هر طریقی به سمت قبله انحراف داشته باشد، به طور مثال مرکب را تا حد امکان به جهت قبله متمایل سازد (محقق حلی، 1408: 1/ 57). فقهای دیگر به جای قید تمکن؛ عبارت "تحری" را بیان داشته و با طرح این سؤال که آیا تحری واجب است؟، حکم به وجوب تحری کرده‌اند. زیرا تحری به نظر شارع نزدیک است (عاملی، 1411: 3/ 141-نجفی، 1404: 7/ 427) و موجب می‌شود نظر مطلوب شارع تأمین گردد، لذا مکلف باید تمام توان و سعی خود را بکار ببندد تا با بررسی و تحقیق، تا حد امکان بتواند نماز را به سمت یا متمایل به قبله بخواند. در اینجا چون خروج از قبله صدق می‌کند و قضاء نماز نیز واجب نیست، پس راهکار این است که بین سمت راست و چپ (یا بین مشرق و مغرب) بخواند (شهید اول، 1419: 3/ 192- شهید ثانی، 1402: 2/ 528) و لازم نیست به جهات دیگر بخواند (شهید اول، 1419: 3/ 192). فقهای دیگر نیز فتوا به وجوب تحری در این مسأله داده‌اند (سیدمرتضی، 1387: 78- ابن ادریس، 1410: 1/ 336-نراقی، 1415: 4/ 467-عاملی، 1411: 3/ 141).

دلیل مسأله: مستند جواز اقامه نماز بر روی مرکب و وجوب تحری، روایات رضوی است. در باب نماز در کشتی، روایتی آمده که تحری به سمت قبله را بیان کرده (منسوب به امام رضا، 1406: 146) و یا وقتی زمان نماز رسیده و ترس از حیوان درنده و دزد وجود دارد، نماز را بر روی مرکب خود بخواند (همان: 148). همچنین در روایتی به صراحت بیان شده در صورت تحیر قبله، نماز به سمت ما بین مشرق و مغرب اقامه شود (صدوق، 1413: 1/ 276) چنانکه خداوند فرمود: "وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ" (بقره: 115). علامه حلی نیز قائل است، اگر کسی بین مشرق و مغرب نماز خواند؛ مطلقاً اعاده ندارد (علامه حلی، 1413: 2/ 69). در حالی که برخی، حد عجز را در عدم قدرت بر توقف به مقدار زمان نماز می‌داند

بررسی مسأله: در مسأله ملاحظه‌ای وجود دارد، آن است؛ شاید کلام محقق حلی و برخی فقها در مورد حیوان و کشتی درست بوده و بتوان عملی کرد. بنابراین در روی مرکب می‌توان، در حد امکان

حيوان را بسمت قبله متمایل نمود. اما در مورد نماز خواندن در قطار يا هواپیما شاید محقق نشود و باید مکلف جهت ایستادن خود را متمایل به قبله کند. براین اساس علامه حلی قید "تمکن و امکان" را به فتوای فقها و علمای امامیه نسبت داده است که تا هر مقدار که ممکن است و امکان دارد بسمت قبله بخواند (علامه حلی، 1412: 4/ 184).

4-2-2. قیام نماز

تبیین مسأله: اگر مکلف به حکم ثانویه (عجز از قیام) نشسته نماز می خواند، آیا تحری در اینجا واجب است؟ تنها فقیهی که تحری را در اینجا واجب دانسته، صاحب کشف اللثام است (فاضل هندی، 1416: 3/ 401). ایشان در تبیین و طرح مسأله تحری می گوید، اقل نشسته خواندن آن است، به اندازه ای خم شود که صورت در محاذی زانو و ران پا قرار گیرد، مقدار کامل آن طوری است که صورت تا موضع سجده پایین بیاید، سپس این سؤال را طرح می کند، آیا بالا آوردن ساق و ران پا از زمین واجب است؟ شهید اول، بالا آوردن رانها را در رکوع واجب دانسته، یعنی به اندازه ای خم شود که صورت تا محاذی زانو پایین باشد (شهید اول، 1417: 1/ 168) زیرا این حالت با تذلل و خضوع و همچنین با هیئت رکوع و قیام تناسب دارد. بدین جهت تحری واجب است (فاضل هندی، 1416: 3/ 401)

دلیل مسأله: شیخ صدوق در "من لا یحضره الفقیه" با بیان روایت نبوی می گوید، قیام و اعمال نماز باید با حالت تواضع در برابر خداوند باشد (صدوق، 1413: 1/ 303) لذا دلیل وجوب تحری آن است که در حالت نشسته طوری نماز بخواند که رکوع معنا پیدا کند و به اندازه ای خم شود تا به نظر مطلوب شارع دست پیدا کند.

4-2-3. نماز قضا

تبیین مسأله: یکی از مباحث نماز قضا در مورد عدم علم به تعداد نمازهای قضا شده است. در این مسأله شهید اول قائل به وجوب تحری می‌باشد (شهید اول، 1410: 46) به تبع ایشان، شهید ثانی وجوب تحری را پذیرفته و در توضیح آن می‌گوید؛ اگر مکلف تعداد نمازهای قضا شده را نمی‌داند، باید تحری کند، یعنی بکوشد و تلاش کند تا به مقداری که ظن و گمان قوی به ادای تکلیف نمازهای فوت شده، حاصل می‌شود؛ نمازها را قضا کند. در این صورت با اعتماد به ظن و گمان به مطلوب شارع دست پیدا می‌کند (شهید ثانی، 1410: 1/750).

دلیل مسأله: مستند وجوب تحری، نخست: روایت امام صادق (ع) است، امام (ع) در پاسخ کسی که تعداد نمازهای فوت شده را نمی‌دانست، فرمود: "تَوَخَّ" (کلینی، 1429: 6/553) توخ مترادف تحری است (برای مطالعه بیشتر در مورد توخ مراجعه شود به: فرزاد؛ 1401، 13 الی 16). بنابراین منظور از توخی آن است، نمازهای فوت شده را بخواند تا اینکه ظن و گمان قوی به اداء آنها حاصل شود (مجلسی، 1406: 2/732). دلیل دوم: قاعده اشتغال است، قاعده اقتضا می‌کند، وجوب اتیان نمازهای قضا شده تا جایی است که امثال قطعی بدست آید (عاملی، 1427: 2/47) زیرا نمازهای فوت شده در ذمه انسان باقی است و زمانی یقین به رفع ذمه حاصل می‌شود که نمازهای قضا شده، خوانده شود (محقق حلی، 1407: 2/413) به عبارت دیگر، آنقدر خواندن نماز قضا را تکرار کند تا ظن به انجام و اداء نمازهای فوت شده حاصل شود (بحرانی، 1405: 11/20).

4-3. روزه

فقه‌های امامیه در سه مورد حکم به وجوب تحری کرده‌اند:

4-3-1. عدم علم به ماه رمضان

تبیین مسأله: "صاحب العروة الوثقی" در مورد اسیر و زندانی که امکان تحصیل علم به ماه رمضان ندارد، قائل است بر اساس ظن و گمان قوی خود عمل کند (یزدی، 1419: 3/ 632) این فتوا مطابق قول مشهور است که برای آن ادعای اجماع شده است (علامه حلی، 1414: 6/ 142- خویی، بی تا: 2/ 126- سبزواری، 1413: 10/ 279) فقها با ادبیات مختلفی در مورد تحری در این مورد سخن گفته‌اند، علامه حلی ابتدا در تذکره الفقهاء و منتهی المطلب، وجوب اجتهاد و کوشش را برای رسیدن به ظن و گمان قوی مطرح کرده و می‌گوید، بر مکلف واجب است مطابق ظن عمل کند (علامه حلی، 1414: 6/ 142 و 1412: 9/ 256) سپس در تحریر الأحکام می‌گوید، اگر نتوانست به ظن برسد، باید توخّی (تحری) کند تا ماه رمضان را بدست آورد و روزه بگیرد (علامه- حلی، 1420: 1/ 494) زیرا توخّی (تحری) مکلف را بر آن می‌دارد تا طبق تحقیق و بررسی و کوشش در مورد فهم زمان ماه رمضان عمل کرده و روزه بگیرد (علامه حلی، 1414: 6/ 144) فقهای بعد از علامه همچون شهید اول (شهید اول، بی تا: 1/ 316)؛ مقداد حلی (حلی، 1403: 487)، شهید ثانی (شهید ثانی، 1413: 2/ 57)؛ صاحب مدارک الأحکام (عاملی، 1411: 6/ 187)؛ صاحب ریاض المسائل (حائری، 1418: 5/ 433) و نراقی در مستند الشیعة (نراقی، 1415: 10/ 430) به صراحت حکم به وجوب تحری و عمل بر مبنای آن در این بحث داده‌اند. محقق خویی از فقهای معاصر قائل است، اسیر و زندانی باید تحری کنند و بر طبق ظن خود عمل کنند (خویی، 1418: 22/ 100).

دلیل مسأله: مستند وجوب تحری روایات است (حرعاملی، 1409: 10/ 276 الی 277) به طور مثال امام صادق (ع) در پاسخ راوی در مورد اسیر رومی که ماه رمضان را نمی‌داند، حکم به وجوب تحری و عمل بر مبنای نتیجه تحری داد (کلینی، 1429: 7/ 682).

بررسی مسأله: در مسأله ملاحظه‌ای وجود دارد، آن است؛ در اینجا می‌توان الغاء خصوصیت کرد، یعنی این حکم فقط برای اسیر و محبوس نیست، شامل هرکسی که علم به ماه رمضان ندارد می‌شود و لازم است به هر طریقی که شده تحری نماید و علم به ماه رمضان پیدا کند و روزه بگیرد.

4-3-2. کفاره روزه

تبیین مسأله: یکی از مصادیق وجوب تحری در کفاره روزه، مربوط به شصت روز روزه گرفتن است. کفاره عمدی ماه رمضان شامل آزاد کردن بنده، دوماه روزه گرفتن و سیر کردن شصت فقیر است (صدوق، بی‌تا: 73- اسکافی، 1416: 111). بسیاری از فقها قائل به تخییر (مفید، 1413: 346-سیدمرتضی، 1415: 196-علامه-حلی، 1413: 3 / 438) برخی ترتیب (عمانی، 1413: 293) و برخی دیگر قائل به عدم ترجیح (حلبی، 1403: 182 - 183) هستند. و باید سی و یک روز آن تتابع داشته باشد. بر مبنای فتوای صاحب کشف‌اللثام، تحری واجب است. یعنی بررسی و تحقیق و تلاش کند؛ طوری روزه گرفتن را آغاز کند که هیچ مانع شرعی مانند عید [فطر و قربان] و یا ماه رمضان روزه گرفتن را قطع نکند و زمان از موانع شرعی سالم بماند، در غیر این صورت این‌گونه روزه گرفتن مجزی نیست (فاضل‌هندی، 1416: 9 / 159). فقهای دیگر نیز قریب به همین فتوا را گفته‌اند (علامه-حلی، 1413: 3 / 303- فخرالمحققین، 1387: 4 / 101) همچنین صاحب العروة الوثقی (یزدی، 1419: 3 / 654) و به تبع ایشان فقهای معاصر همچون محقق خوبی، امام خمینی، تبریزی، سیستانی، بهجت و زنجانی وجوب تحری را با تعبیری دیگر بیان داشته و می‌گویند، کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد؛ نباید موقعی شروع کند که در میان سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است (خمینی، 1424: 1 / 930).

دلیل مسأله: دلیل نخست: روایتی وارد شده، فردی بخاطر کفاره‌ای باید روزه می‌گرفت، از ماه شعبان شروع کرد و با آغاز ماه رمضان؛ مجبور شد، روزه کفاره را قطع نماید. امام صادق (ع) فرمود،

این کفاره صحیح نیست و باید دوباره روزه بگیرد (کلینی، 1429: 7/ 574). مستفاد از روایت آن است، این شخص باید تحری می کرد تا کفاره روزه درست بجا می آورد. بدین جهت شهید ثانی در مسالک الأفهام به صراحت فتوا داده است که تحری در این حالت واجب است و باید تلاش کند تا کفاره روزه را به گونه ای آغاز کند تا تتابع روزه گرفتن از باب مقدمه واجب رعایت شده باشد (شهید ثانی، 1413: 10/ 89). دلیل دوم، مقتضای قاعده عقلی است. یعنی در جایی که تتابع واجب است، می باشد؛ لذا در جایی که عقلا و شرعا تتابع ممکن نیست، شروع آن نیز جایز نیست چنانکه نماز در زمان و مکانی که قادر بر اتمام آن ندارد؛ صحیح نیست (اشتهاردی، 1417: 21/ 300).

4-3-3. نذر روزه یک ماه

تبیین مسأله: یکی از اقسام روزه واجب، روزه به سبب نذر است (صدوق، 1415: 180). حال اگر مکلف نذر کرد، یک ماه [غیر معین] روزه بگیرد، اداء این نذر واجب است. برخی از فقها تحری را در اینجا واجب می دانند (محقق حلی، 1408: 3/ 151- علامه حلی، 1413: 3/ 288- شهید ثانی، 1413: 11/ 388- فاضل هندی، 1416: 9/ 89- نجفی، 1404: 35/ 440) منظور از تحری آن است زمان آغاز روزه به گونه ای باشد که موانع شرعی روزه را قطع نکند، به طور مثال در ماه ذیحجه شروع نکند زیرا روز عید قربان توالی را قطع می کند. البته اقل تتابع 15 روز است (محقق- حلی، 1408: 3/ 151- علامه حلی، 1413: 3/ 288).

دلیل مسأله: تحری وصف نذر است و وجوب وفاء به نذر اقتضای عمل به تحری را دارد (شهید ثانی، 1413: 11/ 388- نجفی، 1404: 35/ 440) همچنین اشاره روایت به گرفتن حداقل 15 روز روزه (طوسی، 1407: 4/ 285) بیانگر وجوب تحری است بنابراین اگر نذر کرد یک

ماه روزه بگیرد، وجوب تحری اقتضا می‌کند، ماهی را طلب و جستجو کند که بتواند یک ماه روزه بگیرد.

4-4. تخلی در اعتکاف

تبیین مسأله: یکی از احکام اعتکاف، خروج از مسجد برای تخلی است (محقق حلی، 1408: 1/194) که مورد قبول همه فقهای امامیه (عاملی، 1411: 6/331) و نیز فقهای متأخر است (مجلسی، 1404: 16/434). مستند جواز خروج از مسجد برای تخلی؛ روایات (حرّعاملی، 1409: 10/549 الی 551) و اجماع (میرزای قمی، 1417: 6/219) است. در اینجا وجوب تحری برای دستیابی به مطلوب شارع و رفع ضرورت دارد (عاملی، 1411: 6/331- شهیداول، 1417: 1/300).

کیفیت تحری در مسأله: بر معتکف لازم است نزدیکترین راه را انتخاب کند؛ و در سریعترین زمان ممکن این قضاء حاجت را انجام دهد (اردبیلی، 1403: 5/359). بدین جهت در مسیر رفت و برگشت اجازه انجام کار غیرضروری و مکث و توقف را ندارد و باید به قدر ضرورت اکتفا کند (سیزواری، 1423: 1/273). بر این اساس اگر خروج از مسجد را طولانی کند و سستی بورزد تا زمان برگشت طولانی گردد؛ موجب باطل شدن اعتکاف می‌شود (شهیدثانی، 1422: 212 و 1413: 2/103). فقها برای مصادیق عدم سستی و عدم تعلل برای قضاء حاجت در راه رفت و برگشت به مسجد، به مواردی همچون: راه نرفتن زیر سایه و عدم توقف بدون دلیل و ضرورت در راه (طوسی، 1400: 172- ابن ادریس، 1410: 1/425) و عدم استراحت و ننشستن زیر سقف از روی اختیار (حلبی، 1403: 187- سید مرتضی، 1415: 203) اشاره کرده‌اند، حتی علامه حلی حکم به حرمت راه رفتن زیر سایه و توقف در مسیر داده (علامه حلی، 1414: 6/295 و 1412: 9/508) و به روایت امام صادق (ع) استناد کرده است (کلینی، 1429: 7/679).

دلیل مسأله: مستند وجوب تحری در زمان خروج برای تخلی روایتی از امام صادق(ع) است، راوی از امام(ع) در مورد واجبات اعتکاف پرسید، که امام(ع) در این روایت به صراحت فرمود، فقط برای حاجتی که ضرورت دارد، جواز خروج از مسجد را دارد و در راه نباید استراحت و توقف کند تا به مسجد برگردد (کلینی، 1429: 7/ 679)،

بررسی مسأله: در این مسأله ملاحظه‌ای را صاحب کتاب "مجمع الفائدة و البرهان" وارد کرده و تحری را قبول ندارد، زیرا قائل است وقتی که اصل عمل اعتکاف، استحباب دارد؛ چگونه رعایت تحری و این‌گونه مسائل ضروری و واجب است(اردبیلی، 1403: 5/ 359). اما اشکال ایشان وارد نیست زیرا درست است اعتکاف یکی از مستحبات مؤکدی است که برای انجام آن بسیار سفارش شده است(طوسی، 1400: 170)، اما اعتکاف گاهی بخاطر امور شرعی دیگر مانند نذر و عهد (شهیدثانی، 1412: 1/ 157-بحرانی، 1405: 13/ 479) و گذشت دور روز از اعتکاف(یعنی روز سوم)(علامه حلی، 1413: 1/ 3880-عاملی، 1414: 3/ 94) واجب می‌شود.

4-5. نماز طواف حج

تبیین مسأله: بعد از اتمام طواف، خواندن دو رکعت نماز واجب است (محقق حلی، 1418: 1/ 93- علامه حلی، 1420: 2/ 6- یزدی، 1419: 4/ 609). مستند این فتوای مشهور(خوانساری، 1405: 2/ 495) روایاتی است که نقل شده است(کلینی، 1429: 8/ 615 الی 620). اما ارتباط تحری با نماز طواف آن است، واجب است نماز طواف، نزد مقام ابراهیم خوانده شود و در صورت ازدحام جمعیت؛ پشت مقام ابراهیم یا یکی از دو طرف مقام بخواند. اما اینجا تحری واجب است، یعنی سعی و تلاش کند هر مقدار که امکان دارد نزدیک به مقام باشد. این فتوا در کشف اللثام(فاضل هندی، 1416: 5/ 449) و صاحب ریاض المسائل در کتابهای خود پذیرفته و بیان

داشته است(حائری، 1418: 22 / 7 و 1409: 419 / 1) حتی اگر تعذر داشت در صورت امکان کمی دورتر از مقام بخواند اما وجوب تحری ضروری است.

دلیل مسأله: مستند وجوب تحری، نخست؛ آیه شریفه "اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً" (بقره: 125) است که به صراحت خداوند فرموده، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. در تفاسیر فریقین ذیل آیه مذکور به اطلاق آیه در وجوب نماز در نزد مقام اشاره شده است که به تعبیری وجوب تحری از آن استنباط می‌شود؛ یعنی در حد امکان نماز نزد مقام یا نزدیک آن خوانده شود. که در تفاسیر اهل سنت می‌توان، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم، 1419: 1 / 227)؛ احکام القرآن (جصاص، 1405: 91 / 1) و احکام القرآن (ابن عربی، بی‌تا: 40 / 1) و در تفاسیر شیعه نیز به التبیان فی تفسیر القرآن (طوسی، بی‌تا: 453 / 1) و مجمع البیان فی تفسیر القرآن (طبرسی، 1372: 384 / 1) اشاره نمود. دلیل دوم، اطلاق روایاتی است که دستور می‌دهد نماز نزد مقام ابراهیم خوانده شود (کلینی، 1429: 8 / 615 الی 620)، دلیل سوم؛ به جهت اصل است، یعنی اصل آن است که نماز نزد مقام یا نزدیک به مقام خوانده شود (فاضل هندی، 1416: 5 / 449- حائری، 1418: 22 / 7) بدین جهت یکی از مصادیق وجوب تحری نماز طواف نزد مقام ابراهیم است. حتی اگر نماز طواف را فراموش کرد، مشهور بین فقها آن است، واجب است برگردد و نماز طواف را بجا آورد؛ مگر اینکه برای برگشتن مشقت داشته باشد(سبزواری، 1423: 1 / 332- نجفی، 1422: 134) در این حالت نیز تحری وجوب دارد.

5. نتیجه‌گیری

1. یکی از اصطلاحات فقهی تحری است که در آن مکلف می‌کوشد و همه توان خود را بکار ببندد تا به مطلوب شارع دست پیدا کند. تحری در ابواب مختلف فقهی کاربرد دارد که محقق در پژوهش

حاضر تحری در عبادات از منظر وجوب و استحباب را بیان نمود. مصادیق وجوب تحری در عبادات شامل مواردی همچون تیمم، نماز، روزه، اعتکاف و حج می‌باشد.

2. در تیمم سه مصداق دارد: نخست، هنگامی که مکلف برای تیمم، زمین (خاک و سنگ) ندارد؛ مجبور است از غبار لباس یا غبار نمد زین اسب یا غبار یال چهارپا برای تیمم استفاده کند، باید تحری کند تا از غبار از جنس خاک باشد؛ دوم، اگر شخصی در مسجد الحرام یا مسجد النبی محتلم شود، باید تحری کند تا محتلم هرچه سریع تیمم را انجام دهد و تمام تلاش خود را بکار ببندد تا از نزدیکترین راه از مسجد خارج شود؛ سوم، در صورتی که خاک برای تیمم نباشد، یکی از اشیائی که تیمم بر آن صحیح است، وحل (گرم نرم و رقیق) است. اینجا نیز وجوب تحری به معنای آن است، تلاش کند تا گل نرم را خشک کند سپس تیمم کند.

3. در وجوب تحری در نماز نیز سه مورد احصا گردید: نخست، اگر ضرورت اقتضا نمود، نماز بر روی مرکب یا در وسیله نقلیه بخواند؛ باید تحری نماید تا حد امکان نماز بسمت قبله باشد. دوم، در صورت عجز در قیام نماز، مکلف نشسته نماز می‌خواند و وجوب تحری اقتضا می‌کند، به اندازه‌ای خم شود که صورت در محاذی زانو و ران پا قرار گیرد، مقدار کامل آن طوری است که صورت تا موضع سجده پایین بیاید. سوم، در نماز قضا، اگر مکلف تعداد نمازهای قضا شده را نمی‌داند، باید تحری کند، یعنی تلاش کند تا به مقداری که ظن و گمان قوی به ادای تکلیف نمازهای فوت شده، حاصل می‌شود؛ نمازها را قضا کند.

4. در مورد روزه، فقها سه مورد را از مصادیق وجوب تحری ذکر کرده‌اند. نخست، اسیر و زندانی که امکان تحصیل علم به ماه رمضان ندارد، باید تحری کند تا علم به ماه رمضان پیدا کند و روزه بگیرد. دوم، در کفاره روزه که باید سی و یک روز را روزه بگیرد، وجوب تحری اقتضا دارد؛ طوری روزه گرفتن را آغاز کند که هیچ مانع شرعی مانند عید [فطر و قربان] و یا ماه رمضان روزه گرفتن

را قطع نکند و زمان از موانع شرعی سالم بماند، در غیر این صورت این‌گونه روزه گرفتن مجزی نیست. سوم، در نذر روزه یک ماه نیز که حداقل آن 15 روز است باید تحری کند یعنی ماهی را طلب کند که بتواند یک ماه روزه بگیرد.

5. در اعتکاف، معتکف نمی‌تواند از مسجد خارج شود مگر برای ضرورت باشد. که خروج برای تخلی از جمله ضروریات است. تحری در اینجا بدین صورت است که در مسیر رفت و برگشت اجازه انجام کار غیر ضروری و مکث و توقف را ندارد و باید به قدر ضرورت اکتفا کند

6. بعد از اتمام طواف، خواندن دو رکعت نماز واجب است و وجوب تحری موجب می‌گردد، نماز طواف نزد مقام ابراهیم خوانده شود و در صورت ازدحام جمعیت؛ پشت مقام ابراهیم یا یکی از دو طرف مقام بخواند.

منابع

✽ قرآن کریم

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (1419)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، ناشر: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ: عربستان، چاپ: سوم

ابن اثیر، مبارک بن محمد (1367)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، اسماعیلیان، قم، چاپ: چهارم.
ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (1410)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

ابن انس، مالک (1425)، موطأ الإمام مالک، 8 جلد، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریة و الإنسانیة - امارات - ابوظبی، چاپ: 1.

ابن حجاج، مسلم (1412)، صحیح مسلم، 5 جلد، دار الحدیث - مصر - قاهره، چاپ: 1.
ابن حنبل، احمد بن محمد (1416)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، 50 جلد، مؤسسه الرسالة - لبنان - بیروت، چاپ: 1.

ابن عربي، محمد بن عبدالله بن ابوبكر (بى تا)، احكام القرآن، بى جا، (نرم افزار نور - جامع التفاسير)
ابن منظور، محمد بن مكرم (1414)، لسان العرب، دار صادر - بيروت، چاپ: سوم.
اردبيلي، احمد بن محمد (1403)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامي،
قم، اول.
اسكافي، ابن جنيد، محمد بن احمد كاتب بغدادى (1416)، مجموعة فتاوى ابن جنيد، دفتر انتشارات
اسلامي، قم، اول.
اشتهدادى، على پناه (1417)، مدارك العروة، دار الأسوة، تهران، اول.
آلوسى، سيد محمود (1415)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، تحقيق: على عبدالبارى عطية، ناشر:
دارالكتب العلميه، چاپ: بيروت، چاپ: اول.
بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم (1405)، الحقائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، دفتر
انتشارات اسلامي، قم، اول.
بخارى، محمد بن اسماعيل (1410)، صحيح البخارى، 11 جلد، جمهوريه مصر العربية، وزارة الاوقاف،
المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، لجنة إحياء كتب السنه - مصر - قاهره، چاپ: 2.
بهجت، محمد تقى (1423)، وسيله النجاه، انتشارات شفق، قم، دوم.
ترمذى، محمد بن عيسى (1419)، الجامع الصحيح و هو سنن الترمذى، 6 جلد، دار الحديث - مصر - قاهره،
چاپ: 1.
ثعلبى نيشابورى، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم (1422)، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقيق: ابو
محمد بن عاشور، ناشر: دار إحياء التراث العربى، چاپ: بيروت، چاپ: اول.
جزائرى، سيد نعمه الله (1408)، كشف الأسرار فى شرح الاستبصار، مؤسسه دار الكتاب، قم، اول.
جصاص، احمد بن على (1405)، احكام القرآن، تحقيق: محمد صادق قمحاوى، ناشر: دار احياء التراث
العربى، چاپ: بيروت
جوهرى، اسماعيل بن حماد (1410)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربيه، دار العلم للملايين، بيروت، اول.
حائرى، سيد على بن محمد طباطبايى (1409)، الشرح الصغير فى شرح مختصر النافع - حديقۀ المؤمنین،
انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، اول.
حرّ عاملی، محمد بن حسن (1409)، وسائل الشيعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.

حلبى، ابن زهره، حمزة بن على حسيني(1417)، غنية النزوع إلى علمى الأصول و الفروع، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، اول.

حلبى، ابو الصلاح، تقى الدين بن نجم الدين(1403)، الكافى فى الفقه، كتابخانه عمومى امام امير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، اول.

حلى، يحيى بن سعيد(1405)، الجامع للشرائع، مؤسسه سيد الشهداء العلميه، قم، اول.
خمينى، سيد روح الله موسوى(1424)، توضيح المسائل، دفتر انتشارات اسلامى، قم، هشتم.
خوانسارى، سيد احمد بن يوسف(1405)، جامع المدارك فى شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعيليان، قم، دوم.

خويى، سيد ابو القاسم موسوى (بى تا)، المستند فى شرح العروة الوثقى، 4 جلد، (نرم افزار نور - فقه) (1418)، موسوعه الإمام الخوئى، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئى، قم، اول.
سبزوارى، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن(1247)، ذخيره المعاد فى شرح الإرشاد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.

(1423)، كفاية الأحكام، دفتر انتشارات اسلامى، قم، اول.

سلار ديلمى، حمزة بن عبد العزيز(1404)، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، منشورات الحرمين، قم، اول.
سيد مرتضى، على بن حسين موسوى(1415)، الانتصار فى انفرادات الإماميه، دفتر انتشارات اسلامى، قم، اول.

(1387)، جمل العلم و العمل، مطبعة الآداب، نجف، اول.
شهيد اول، عاملى، محمد بن مكى(1419)، ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.

(بى تا)، القواعد و الفوائد، كتابفروشى مفيد، قم، اول.
(1417)، الدروس الشرعية فى فقه الإماميه، دفتر انتشارات اسلامى، قم، دوم.

(1410)، اللمعة الدمشقيه فى فقه الإماميه، دار التراث، بيروت، اول.

_____ (1414)، غاية المراد فى شرح نكت الإرشاد، انتشارات دفتر تبليغات

اسلامى، قم، اول.

شهيد ثانى، عاملى، زين الدين بن على (1402)، روض الجنان فى شرح إرشاد الأذهان، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم، اول.

_____ (1412)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى -

سلطان العلماء)، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم، اول.

_____ (1410)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى -

كلانتر)، كتابفروشى داورى، قم، اول.

_____ (1414)، حاشية الإرشاد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم، اول.

_____ (1422)، حاشية شرائع الإسلام، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم،

اول.

_____ (1413)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف

الإسلامية، قم، اول.

صدوق اول، على بن بابويه (بى تا)، مجموعة فتاوى ابن بابويه، قم، اول.

صدوق، محمد بن على بن بابويه (1415)، المقنع، مؤسسه امام هادى عليه السلام، قم، اول.

_____ (1413)، من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامى، قم، دوم.

طباطبايى، سيد محمد حسين (1417)، الميزان فى تفسير القرآن، ناشر: دفتر انتشارات اسلامى جامعهى

مدرسين حوزة علميه قم، چاپ: قم، چاپ: پنجم.

طبرسى، فضل بن حسن (1372)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق: با مقدمه محمد جواد بلاغى،

انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ: سوم

طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن (1390)، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، دار الكتب الإسلامية، تهران،

اول.

_____ (1387)، المبسوط فى فقه الإمامية، المكتبة المرتضوية لإحياء

الآثار الجعفرية، تهران، سوم.

بيروت، دوم. _____(1400)، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، دار الكتاب العربي،

_____ (1407)، تهذيب الأحكام، دار الكتب الإسلامية، تهران، چهارم.
_____ (بي تا)، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: با مقدمه شيخ آغا بزرگ تهراني
و تحقيق احمد قصير عاملي، دار احياء التراث العربي، بيروت.
طوسي، محمد بن علي بن حمزه (1408)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي
نجفي، قم، اول.

طيب، سيد عبد الحسين (1378)، اطيب البيان في تفسير القرآن، ناشر: انتشارات اسلام، چاپ: تهران،
چاپ: دوم.

عاملي، بهاء الدين، محمد بن حسين (1390)، الجبل المتين في أحكام الدين، كتابفروشي بصيرتي، قم، اول.
عاملي، سيد جواد بن محمد حسيني (1419)، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، دفتر انتشارات اسلامي،
قم، اول.

عاملي، سيد محمد حسين ترحيني (1427)، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، دار الفقه للطباعة و
النشر، قم، چهارم.

عاملي، محقق كركي، محقق ثاني، علي بن حسين (1414)، جامع المقاصد في شرح القواعد، مؤسسه آل
البيت عليهم السلام، قم، دوم.

عاملي، محمد بن علي موسوي (1411)، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، مؤسسه آل البيت
عليهم السلام، بيروت، اول.

عراقي، ضياء الدين (1388)، الاجتهاد و التقليد، نويد اسلام، قم، چاپ: اول.
علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (1410)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، دفتر انتشارات
اسلامي، قم، اول.

_____ (1420)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب
الإمامية، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، اول.

_____ (1414)، تذكرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت
عليهم السلام، قم، اول.

- _____ (1413)، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام،
دفتري انتشارات اسلامي، قم، اول.
- _____ (1413)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، دفتري
انتشارات اسلامي، قم، دوم.
- _____ (1412)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مجمع
البحوث الإسلامية، مشهد، اول.
- _____ (1404)، الاجتهاد و التقليد (مبادئ الوصول إلى علم
الأصول)، المطبعة العلمية، قم، اول.
- _____ (1419)، نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، مؤسسه آل
البيت عليهم السلام، قم، اول.
- عماني، حسن بن علي بن ابي عقيل حذاء (1413)، حياة ابن ابي عقيل و فقهه، مركز معجم فقهی، قم، اول.
فاضل آبي، حسن بن ابي طالب يوسفی (1417)، كشف الرموز في شرح مختصر النافع، دفتري انتشارات
اسلامي، قم، سوم.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (1416)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، دفتري انتشارات اسلامي، قم،
اول.
- فخر رازی، محمد بن عمر (1420)، مفاتيح الغيب، ناشر: دار احياء التراث العربي، چاپ: بيروت، چاپ: سوم.
فخر المحققين، حلي محمد بن حسن بن يوسف (1387)، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، مؤسسه
اسماعيليان، قم، اول.
- فرزاد، پارسا (1401)، مقاله: مفهوم تحري؛ مشروعيت، کاربرد و احكام آن؛ نشریه فقه و اصول؛ سال 54؛
شماره 2؛ شماره پياپی 129.
- فيض كاشاني، محمد محسن ابن شاه مرتضى (1429)، معتصم الشيعة في أحكام الشريعة، مدرسه عالي
شهيد مطهری، تهران، اول.
- قرطبي، محمد بن احمد (1364)، الجامع لأحكام القرآن، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، چاپ: تهران، چاپ:
اول.
- كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب (1429)، الكافي، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، اول.

- مجلسى اول، محمد تقى(1406)، روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، قم، دوم.
- مجلسى دوم، محمد باقر بن محمد تقى(1404)، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، دار الكتب الإسلامية، تهران، دوم.
- _____ (1406)، ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، اول.
- محقق حلى، نجم الدين، جعفر بن حسن(1407)، المعبر فى شرح المختصر، مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، قم، اول.
- _____ (1418)، المختصر النافع فى فقه الإمامية، مؤسسه المطبوعات الدينية، قم، ششم.
- _____ (1408)، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعيليان، قم، دوم.
- مدرسى، سيد محمد تقى (1419)، هدى القرآن، ناشر: دار محبى الحسين، چاپ: تهران، چاپ: اول.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى(1413)، المقنعة، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، اول.
- منسوب به امام رضا، على بن موسى عليهما السلام(1406)، الفقه - فقه الرضا، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد، اول.
- مهنا، عبد الله على(1413)، لسان اللسان : تهذيب لسان العرب، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ: اول.
- ميرزاى قمى، ابو القاسم بن محمد حسن(1417)، غنائم الأيام فى مسائل الحلال و الحرام، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم، اول.
- نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن(1404)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربى، بيروت، هفتم.
- نجفى، كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكى(1422)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم، اول.

نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (بی تا)، شرح طهارة قواعد الأحكام، در یک جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، ه ق
نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (1415)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم- السلام، قم، اول.
نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر (1422)، معتمد الشیعة فی أحكام الشریعة، کنگره بزرگداشت نراقی، قم، اول.
واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (1414)، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول.
یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (1419)، العروة الوثقی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

References

*The Holy Quran

Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1419), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, research: Asad Muhammad al-Tayeb, publisher: Nizar Mustafa Al-Baz Library, print: Arabia, print: third (in Arabic)
Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad (1367), Al-Jeena fi Gharib al-Hadith and Athar, Ismailian, Qom, Edition: IV. (in Arabic)
Ibn Idris Hali, Muhammad bin Mansour bin Ahmad (1410), al-Sara'er al-Hawi for Tahrir Al-Fatawi, Islamic Publications Office, Qom, II. (in Arabic)
Ibn Anas, Malik (1425), Mut'a al-Imam Malik, 8 volumes, Zayed bin Sultan Al Nahyan Institute for Charity and Humanity - Emirates - Abu Dhabi, Edition: 1. (in Arabic)
Ibn Hajjaj, Muslim (1412), Sahih Muslim, 5 volumes, Dar al-Hadith - Egypt - Cairo, edition: 1. (in Arabic)
Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad (1416), Musnad al-Imam Ahmed bin Hanbal, 50 volumes, Al-Risalah Foundation - Lebanon - Beirut, print: 1. (in Arabic)

Ibn Arabi, Muhammad bin Abdullah bin Abu Bakr (Beita), The Rules of the Qur'an, Bija, (Noor software - Jami al-Tafaseer((in Arabic)

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414), The Arab Language, Dar Sadir - Beirut, Edition: Third. (in Arabic)

Ardabili, Ahmad bin Muhammad (1403), Majma al-Fedat wa al-Barhan in the explanation of Irshad al-Azhan, Islamic Publications Office, Qom, I. (in Arabic)

Askafi, Ibn Junayd, Muhammad Ibn Ahmad Katab Baghdadi (1416), Ibn Junayd's Fatawi Collection, Islamic Publications Office, Qom, I. (in Arabic)

Eshtredden, Ali Panah (1417), Madarak al-Arwa, Dar al-Aswa, Tehran, first. (in Arabic)

Alousi, Seyyed Mahmoud (1415), Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem, research: Ali Abdulbari Attiya, publisher: Dar al-Kitab Al-Alamiya, printed: Beirut, printed: first. (in Arabic)

Bahrani, Al-Asfour, Yusuf bin Ahmed bin Ibrahim (1405), al-Hadaiq al-Nadrah fi Ahakam al-Utrah al-Tahira, Islamic Publications Office, Qom, first. (in Arabic)

Bukhari, Muhammad bin Ismail (1410), Sahih al-Bukhari, 11 volumes, Egypt Arab Republic, Ministry of Endowments, Majlis al-Ala for Islamic Affairs, Committee for the Book of the Sunnah - Egypt - Cairo, Edition: 2. (in Arabic)

Behjat, Mohammad Taqi (1423), Wasile al-Najat, Shafaq Publications, Qom, II. (in Arabic)

At-Tirmidhi, Muhammad Ibn Isa (1419), Al-Jaami Al-Sahih and Hu Sunan Al-Tirmidhi, 6 volumes, Dar al-Hadith - Egypt - Cairo, Edition: 1. (in Arabic)

Thaalbi Neishaburi, Abu Ishaq Ahmad bin Ibrahim (1422), the revelation and explanation of the interpretation of the Qur'an, research: Abu Muhammad bin Ashour, publisher: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi, published: Beirut, published: first. (in Arabic)

Jazayari, Seyyed Neamatullah (1408), Kafsh al-Asrar fi Sharh al-Istbasar, Est. Dar al-Kitab, Qom, first. (in Arabic)

Jasas, Ahmed bin Ali (1405), The Laws of the Qur'an, Research: Mohammad Sadiq Qomhawi, Publisher: Dar Ahyaya Al-Trath Al-Arabi, Print: Beirut (in Arabic)

Johari, Ismail bin Hammad (1410), Sahaha - Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiya, Dar al-Alam for the millions, Beirut, first. (in Arabic)

Haeri, Seyyed Ali ibn Muhammad Tabatabayi (1409), Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Khats al-Nafee - Garden of Al-Mominin, Publications of Ayatollah Murashi Najafi Library, Qom, I. (in Arabic)

Harr Aamili, Muhammad bin Hassan (1409), Shi'ite means, Al-Bayt Institute, Qom, first. (in Arabic)

Halabi, Ibn Zahra, Hamzah bin Ali Hosseini (1417), Ghaniyyah al-Nizwa al-Ili al-USul wa al-Faroo, Institute of Imam Sadiq, peace be upon him, Qom, first. (in Arabic)

Halabi, Abu al-Salah, Taqi al-Din bin Najm al-Din (1403), Al-Kafi fi Fiqh, General Library of Imam Amir al-Mu'minin, peace be upon him, Isfahan, I. (in Arabic)

Hali, Yahya bin Saeed (1405), Al-Jamee Lal-Sharae, Sayyed Al-Shahada Al-Elamiya Foundation, Qom, first. (in Arabic)

Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi (1424), Explanation of Issues, Islamic Publications Office, Qom, 8th. (in Persian)

Khansari, Seyyed Ahmed bin Yusuf (1405), Jami al-Madarak in a brief description of al-Nafi, Ismailian Institute, Qom, II. (in Arabic)

Khoi, Seyyed Abu al-Qasim Mousavi (Bita), Al-Hakam in Sharh al-Arwa al-Wathqi, 4 volumes, (Noor-Fiqh Software) (in Arabic)

,(1418) _____ Al-Imam Al-Khoei Encyclopaedia, Imam Al-Khoei Works Revival Foundation, Qom, first. (in Arabic)

Sabzevari, Mohaghegh, Muhammad Baqir bin Muhammad Momin (1247), Zakhira al-Ma'ad fi Sharh al-Irshad, Al-Bayt Institute, Qom, I. (in Arabic)

,(1417) _____ al-Dros al-Sharia fi fiqh al-Imamiya, Islamic Publications Office, Qom, II. (in Arabic)

,(1410) _____ Al-Lamaa al-Dumashqiyyah in Fiqh al-Imamiya, Dar al-Trath, Beirut, I. (in Arabic)

,(1414) _____ the goal of the meaning in explaining the point of al-Irshad, Islamic Publications Office, Qom, first. (in Arabic)

Shahid Thani, Ameli, Zain al-Din bin Ali (1402), Ruz al-Jinan in the description of Irshad al-Azhan, Publications of the Islamic Tablighat Office, Qom, first. (in Arabic)

,(1412) _____ al-Ruda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiyyah (Al-Mahshi - Sultan al-Ulama), Publications of the Islamic Tablighat Office, Qom, first. (in Arabic)

,(1410) _____ al-Rawda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiyyah (Al-Mahshi - Kalantar), Davari bookstore, Qom, first. (in Arabic)

,(1414) _____ Hashiya al-Irshad, Publications of the Islamic Propaganda Office, Qom, first. (in Arabic)

,(1422) _____ the margin of Islamic Laws,
Publications of the Islamic Tablighat Office, Qom, first. (in Arabic)

,(1413) _____ Masalak al-Afham to the revision of
Sharia al-Islam, Islamic Encyclopaedia Foundation, Qom, first. (in Arabic)
Saduq the first, Ali Ibn Babouyeh (Bita), Ibn Babouyeh's collection of fatwas,
Qom, first. (in Arabic)

Sadouq, Muhammad ibn Ali ibn Babouyeh (1415), Al-Muqnaq, Institute of
Imam Hadi, peace be upon him, Qom, first. (in Arabic)

,(1413) _____ Man La Yahdrah al-Faqih, Islamic
Publications Office, Qom, II. (in Arabic)

Tabatabayi, Seyyed Muhammad Hossein (1417), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an,
Publisher: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society, Print:
Qom, Print: 5th. (in Arabic)

Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372), Al-Bayan Forum in Tafsir al-Qur'an, research:
with an introduction by Mohammad Javad Balaghi, Nasser Khosrow
Publishing House, Tehran, 3rd edition(in Arabic)

Tousi, Abu Jafar, Muhammad bin Hasan (2013), Al-Istbasar Fima Akhtolf
Man Al-Akhbar, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran, first. (in Arabic)

_____ (1387), Al-Massut in Imamate Jurisprudence, Al-
Mortazawi Library for the Revival of Al-Jaafari Antiquities, Tehran, 3rd. (in
Arabic)

,(1423) _____ Kefaya al-Ahkam, Islamic
Publications Office, Qom, first. (in Arabic)

Salar Dailami, Hamza bin Abdul Aziz (1404), al-Marasim al-Alawiya and al-
Ahkam al-Nabawiyya, Charters of Al-Haramain, Qom, I. (in Arabic)

Seyed Morteza, Ali bin Hossein Mousavi (1415), Al-Intisar fi Infradat al-Imamiya, Islamic Publications Office, Qom, 1. (in Arabic)

,(1387) _____ Jamal al-Ilam wa Al-Alam, Al-Adab Press, Najaf, first. (in Arabic)

First Martyr, Ameli, Muhammad Ibn Makki (1419), Memorial of the Shia in the Laws of Al-Sharia, Al-Bayt Institute, Qom, first. (in Arabic)

_____ (Bita), Al-Gaqra and al-Fawida, Mofid bookstore, Qom, first. (in Arabic)

,(1400) _____ the end of jurisprudence and al-fatawi, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, II. (in Arabic)

,(1407) _____ Tahdeeb al-Ahkam, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran, 4th. (in Arabic)

_____ (Bita), Al-Tabyan in Tafsir al-Qur'an, research: with an introduction by Sheikh Aghazourg Tehrani and research by Ahmad Qasir Aamili, Darahiya al-Trath al-Arabi, Beirut. (in Arabic)

Tusi, Muhammad bin Ali bin Hamza (1408), al-Wasilah to Nil al-Fadilah, Ayatollah Murashi Najafi Library Publications, Qom, first. (in Arabic)

Tayyeb, Seyyed Abdul Hossein (1378), Tayyeb Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Publisher: Islam Publications, Print: Tehran, Print: Second. (in Arabic)

Aamily, Baha al-Din, Muhammad bin Hussain (2013), Al-Habal al-Mattin fi Akhma al-Din, Basirti Bookstore, Qom, first. (in Arabic)

Aamili, Seyyed Javad bin Muhammad Hosseini (1419), Miftah al-Karamah fi Sharh al-Qa'aw al-Alama, Islamic Publications Office, Qom, 1. (in Arabic)

Aamili, Seyyed Muhammad Hossein Tarhaini (1427), al-Budatar al-Fiqhiya fi Sharh al-Rudah al-Bahiya, Dar al-Fiqh for Printing and Publishing, Qom, IV.

(in Arabic)

Aamili, Mohaghegh Karki, Mohaghegh Thani, Ali bin Hossein (1414), Jami al-Maqasad fi Sharh Al-Qasas, Al-Bayt Institute, Qom, II. (in Arabic)

Aamili, Muhammad bin Ali Mousavi (1411), Al-Ahkam documents in the description of Islamic worship, Al-Bayt Institute, Beirut, I. (in Arabic)

Iraqi, Zia al-Din (1388), Al-Ijtihad wa Al-Taqlid, Navid Islam, Qom, Edition: 1. (in Arabic)

Allameh Hali, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi (1410), Irshad al-Azhan to the rules of faith, Islamic Publications Office, Qom, first. (in Arabic)

,(1413) _____ Various Shi'ites in Islamic Laws, Islamic Publications Office, Qom, II. (in Arabic)

,(1412) _____ the end of the story in the research of religion, Islamic Research Council, Mashhad, first. (in Arabic)

,(1404) _____ Al-Ijtihad and Al-Taqlid (Principles of Arriving at the Knowledge of Usul), Al-Mattabah Al-Elamiya, Qom, I. (in Arabic)

,(1419) _____ End of the Laws in the Knowledge of Laws, Al-Bayt Institute, Qom, I. (in Arabic)

Amani, Hassan ibn Ali ibn Abi Aqeel Huza (1413), Ibn Abi Aqeel's life and jurisprudence, Center of Jurisprudence, Qom, first. (in Arabic)

Fadel Abi, Hasan bin Abi Talib Yusufy (1417), Discovering the Symbols in the Brief Description of Al-Nafi, Islamic Publications Office, Qom, III. (in Arabic)

Fadel Handi, Muhammad Bin Hasan (1416), Kashf al-Latham and al-Ibham on the Rules of Al-Ahkam, Islamic Publications Office, Qom, I. (in Arabic)

Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1420), Al-Mafiyat al-Gheeb, publisher: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi, print: Beirut, print: third. (in Arabic)

Fakhr al-Muhaqqin, Hali Muhammad bin Hasan bin Youssef (1387), explanation of benefits in the explanation of the problems of rules, Ismailian Institute, Qom, first. (in Arabic)

Farzad, Parsa (1401), article: Tahri concept; its legitimacy, application and rulings; Fiqh and Usul magazine; year 54; Number 2; Consecutive number 129.

(in Arabic)

Faiz Kashani, Mohammad Mohsen Ibn Shah Mortaza (1429), Mu'tasim al-Shi'a in Al-Ahkam al-Sharia, Martyr Motahari High School, Tehran, 1st. (in Arabic)

Qortobi, Muhammad bin Ahmad (1364), Al-Jamee Lahakm Al-Qur'an, Publisher: Nasser Khosrow Publications, Tehran, First Edition. (in Arabic)

Kalini, Abu Jafar, Muhammad bin Yaqoob (1429), Al-Kafi, Dar al-Hadith for printing and publishing, Qom, first. (in Arabic)

First Majlisi, Muhammad Taqi (1406), Rawda al-Mu'taqin fi Sharh Man La Yahdrah al-Faqih, Kushanbur Islamic Cultural Institute, Qom, II. (in Arabic)

The Second Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1404), Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran, II.

,(1420) _____ Tahrir Al-Ahkam Al-Sharia on the Imamate Madhhab, Imam Sadiq Institute, Qom, I. (in Arabic)

,(1414) _____ Book of Fiqha, Al-Bayt Institute, Qom, first. (in Arabic)

_____ (1413), Rules of Al-Ahkam in the Knowledge of Halal and Haram, Islamic Publications Office, Qom, I.

,(1413) _____ Various Shi'ites in Islamic Laws, Islamic Publications Office, Qom, II. (in Arabic)

,(1412) _____ the end of the story in the research of religion, Islamic Research Council, Mashhad, first. (in Arabic)

,(1404) _____ Al-Ijtihad and Al-Taqlid (Principles of Arriving at the Knowledge of Usul), Al-Mattabah Al-Elamiya, Qom, I. (in Arabic)

,(1419) _____ End of the Laws in the Knowledge of Laws, Al-Bayt Institute, Qom, I. (in Arabic)

Amani, Hassan ibn Ali ibn Abi Aqeel Huzza (1413), Ibn Abi Aqeel's life and jurisprudence, Center of Jurisprudence, Qom, first. (in Arabic)

Fadel Abi, Hasan bin Abi Talib Yusufy (1417), Discovering the Symbols in the Brief Description of Al-Nafi, Islamic Publications Office, Qom, III. (in Arabic)

Fadel Handi, Muhammad Bin Hasan (1416), Kashf al-Latham and al-Ibham on the Rules of Al-Ahkam, Islamic Publications Office, Qom, I. (in Arabic)

Fakhr al-Muhaqqin, Hali Muhammad bin Hasan bin Youssef (1387), explanation of benefits in the explanation of the problems of rules, Ismailian Institute, Qom, first. (in Arabic)

Farzad, Parsa (1401), article: Tahri concept; its legitimacy, application and rulings; Fiqh and Usul magazine; year 54; Number 2; Consecutive number 129. (in Arabic)

Faiz Kashani, Mohammad Mohsen Ibn Shah Mortaza (1429), Mu'tasim al-Shi'a in Al-Ahkam al-Sharia, Martyr Motahari High School, Tehran, 1st. (in Arabic)

Kalini, Abu Jafar, Muhammad bin Yaqoob (1429), Al-Kafi, Dar al-Hadith for printing and publishing, Qom, first. (in Arabic)

First Majlisi, Muhammad Taqi (1406), Rawda al-Mu'taqin fi Sharh Man La Yahdrah al-Faqih, Kushanbur Islamic Cultural Institute, Qom, II. (in Arabic)

The Second Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1404), Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran, II. (in Arabic)

,(1406) _____ Akhyar's refuge in understanding the news of news, Ayatollah Murashi Najafi Library Publications, Qom, first. (in Arabic)

Mohagheq Hali, Najm al-Din, Jafar bin Hasan (1407), al-Mutabbar fi Sharh al-Mukhasar, Syed al-Shahada Institute, Qom, first. (in Arabic)

,(1418) _____ Al-Mukhtasar al-Nafi in Fiqh al-Imamiya, Al-Mahbatat al-Diniya Foundation, Qom, 6th. (in Arabic)

,(1408) _____ Islamic Laws in Halal and Haram Issues, Ismailian Institute, Qom, II. (in Arabic)

Madrasi, Seyyed Mohammad Taqi (1419), Hoda al-Qur'an, publisher: Dar Mohibi Al-Hussein, print: Tehran, print: first.. (in Arabic)

Mofid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man Akbari (1413), Al-Maqna'a, World Congress of Hazara Sheikh Mofid, Qom, first. (in Arabic)

Attributed to Imam Reza, Ali bin Musa, peace be upon him (1406), Fiqh - Fiqh al-Reza, Al-Bayt Institute, Mashhad, first. (in Arabic)

Mehna, Abdullah Ali (1413), Lasan al-Lsan: Tahdeeb lesan al-Arab, Dar al-Kutub Al-Elamiya, Beirut, edition: 1. (in Arabic)

Mirzai Qommi, Abu al-Qasim bin Muhammad Hasan (1417), the spoils of the days in the issues of halal and haraam, Islamic Propaganda Office Publications, Qom, first. (in Arabic)

Najafi, Sahib al-Jawahar, Muhammad Hassan (1404), Jawaharlal Kalam in the Explanation of Islamic Laws, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi, Beirut, 7th. (in Arabic)

Najafi, Kashf al-Ghitah, Jafar bin Khizr Maliki (1422), Kashf al-Ghitah on the obscurities of Al-Sharia al-Ghara, Publications of the Islamic Tablighat Office, Qom, first. (in Arabic)

Najafi, Kashif al-Ghita, Ja'far bin Khizr Maliki (Beta), the description of the purity of the rules of al-Ahkam, in one volume, Kashf al-Ghita Institute. (in Arabic)

Naraghi, Molly Ahmad bin Muhammad Mahdi (1415), Documentary of the Shia in Al-Ahkam al-Sharia, Al-Bayt Institute, Qom, I. (in Arabic)

Naraghi, Molly Muhammad Mahdi ibn Abi Dhar (1422), Shi'a's Trustee in Al-Ahkam al-Sharia, Naraghi Commemoration Congress, Qom, 1st. (in Arabic)

Wasti, Zubaydi, Hanafi, Mohibeddin, Seyyed Muhammad Mortaza Hosseini (1414), Taj al-Arus Man Jawahar Al-Qamoos, Dar al-Fakr Lalprinta va Anshaar va al-Tawzii, Beirut, first. (in Arabic)

Yazidi, Seyyed Mohammad Kazem Tabatabayi (1419), Al-Arwa Al-Wathqi, Islamic Publications Office, Qom, 1. (in Arabic)

مقاله پذیرش نشده